

الحسنی الارموی، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۷ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.  
 Encyclopedia of Islam, Prepared by a Number of Leading Orientalists. 1986.  
[http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/46.htm\\_-\\_ftnref75](http://www.maarefquran.com/maarefLibrary/templates/farsi/dmaarefbooks/Books/3/46.htm_-_ftnref75)

مهران اسماعیلی



### اصحاب عقبه: منافقان سوء قصد کننده به جان پیامبر ﷺ در مسیر بازگشت از غزوه تبوک

عقبه در لغت به معنای راه دشوار و سخت گذر در کوه است<sup>۱</sup> که در فارسی گردنه و گریوه نامیده می شود.<sup>۲</sup> اصطلاح «اصحاب عقبه» یادآور دو رخداد مهم در دوران رسالت است. این مقال فارغ از آن چه با عنوان اصحاب عقبه اول و دوم مربوط به بیعت عقبه اول<sup>۳</sup> و عقبه دوم<sup>۴</sup> یاد می شود، به بررسی اصحاب عقبه در

مسیر تبوک می پردازد. به گفته تاریخ نگاران، گروهی از منافقان پس از غزوه تبوک با سوء قصد به جان پیامبر ﷺ قصد کشتن ایشان را داشتند که توطئه آنان نافرجام ماند.<sup>۶</sup>

تاریخ نگاران<sup>۷</sup> و مفسران<sup>۸</sup> اصحاب عقبه را کسانی دانسته اند که چون از اقدام های خود بر ضد رسول خدا ﷺ هنگام عزیمت پیامبر به تبوک در سال نهم ق. نتیجه نگرفتند (← تبوک، غزوه\*) در بازگشت، توطئه ای را تدارک دیدند تا ایشان را شبانگاهان به قتل برسانند. هنگامی که شتر ایشان از گردنه ای در آن حوالی می گذشت، توطئه گران که صورت هایشان را پوشانده بودند، تصمیم گرفتند تا مرکب پیامبر را رم دهند و ایشان را از گردنه پرتاب کنند. پیش از عملی شدن نقشه آن ها، در حالی که آنان خود را به شتر رسول خدا ﷺ نزدیک کرده بودند، ایشان از توطئه آن ها آگاه شد و به حذیفه بن یمان\* که شتر ایشان را می راند، فرمود تا ایشان را دور کرده، به آن ها بگوید که اگر کنار نروند، پیامبر ﷺ آنان را با نام های پدران و قبیله هایشان بانگ خواهد داد.<sup>۱۰</sup> منافقان که از نقشه خود طرفی نبسته بودند، با اقدام حذیفه، گریختند و

۱. مفردات، ص ۵۷۶، «عقب»؛ مرادص الاطلاع، ج ۲، ص ۹۴۸.

۲. لغت نامه، ج ۱۰، ص ۱۴۰۹۸، «عقبه»؛ فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۲۹۷، «گریوه».

۳. الطبقات، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۴. المنتظم، ج ۳، ص ۳۴.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸.

۶. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۲؛ دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۵۶.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۸.

۸. مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۱.

۹. الکشاف، ج ۲، ص ۲۹۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۹.

۱۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۸؛ دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۵۶.

إِسْلَامِهِمْ وَهُمْوَمَا لَمْ يَنَالُوا...»؛ «به خدا سوگند یاد می‌کنند که [در غیاب پیامبر، سخنان نادرست] نگفته‌اند؛ اما بی‌تردید سخنان کفرآمیز گفته و پس از اسلام آوردنشان کافر شده‌اند و به کاری [خطرناک] تصمیم گرفته‌اند که به آن نرسیدند.» (توبه/۹، ۷۴) در منابع شیعی اشاره شده که منافقان هم‌زمان قصد ترور امام علی (ع) را نیز داشتند که در آن هنگام به فرمان پیامبر در مدینه جانشین ایشان بود.<sup>۷</sup>

طبرسی ماجرای اصحاب عقبه را افزون بر آیه ۷۴ توبه/۹ ذیل آیات ۶۴-۶۵ توبه/۹ آورده است: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ...» منافقان می‌ترسند که سوره‌ای بر [ضد] آنان فرود آید که آن‌ها را به آن چه در دل‌هایشان دارند، آگاهی سازد...» وی نزول این آیات را بر اساس گزارشی در باره این گروه دانسته است.<sup>۸</sup>

به روایت از امام رضا (ع) مقصود از «... أَنْمَا اسْتَرَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا...»؛ «همانا شیطان آنان را به سبب برخی از کارهایشان لغزاید.» (آل عمران/۳، ۱۵۵) اصحاب عقبه هستند.<sup>۹</sup>

برخی سوء قصد به جان پیامبر (ص) را نه در

خود را میان سپاه پنهان ساختند. به گزارش حذیفه، وی نام‌های ایشان و پدران و قبیله‌های آنان را می‌شناخته<sup>۱</sup> و از همین رو، به «صاحب سر پیامبر» شهرت یافته است.<sup>۲</sup> از آن‌جا که رسول خدا (ص) حذیفه را از افشای نام منافقان پرهیز داده بود، وی از افشای نام آن‌ها خودداری می‌کرد.<sup>۳</sup> به گزارش واقدی، افزون بر حذیفه، پیامبر (ص) عمار را نیز که در آن شب زمام شتر ایشان را در دست داشت، از نام منافقان آگاهی بخشید.<sup>۴</sup> بر پایه خبری، رسول خدا در پاسخ اُسَید بن خُضَیر اُوسی که در بامداد آن شب از ایشان سبب نکشتن آن‌ها را پرسید یا رخصت قتل آنان را خواست، فرمود: کشتن آن‌ها به مصلحت نیست و نمی‌پسندم که مردم بگویند محمد هنگامی که قدرت یافت، یاران خود را کشت.<sup>۵</sup> بر پایه گزارشی دیگر، پیامبر در نشستی خصوصی توطئه‌گران را احضار نمود و آگاهی خود را از تصمیم شوم ایشان بازگفت. اما منافقان سوگند یاد کردند که قصد چنین توطئه‌ای را نداشتند. آن‌گاه، این آیه نیت آنان را آشکار کرد: «يَجْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۸.

۲. السیرة النبویه، ج ۳، ص ۲۳۱؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۹۴؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۸.

۴. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۴؛ التبیان، ج ۵، ص ۲۶۱.

۵. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۰.

۶. روض الجنان، ج ۹، ص ۲۹۸؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۳۲-۲۴۳.

۷. المناقب، ج ۲، ص ۳۰؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۲۳.

۸. مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۰-۷۱.

۹. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ الصافی، ج ۱، ص ۳۹۴.

این عقبه، بلکه در عقبه‌ای دیگر دانسته‌اند.<sup>۱</sup> گویا چند بار نقشه‌ای از سوی منافقان برای کشتن رسول خدا ﷺ ریخته شده بود. به گزارش علی بن ابراهیم قمی، ۱۴ تن از منافقان پس از حجة الوداع به سال دهم ق. همدست شدند تا پیامبر را در مسیر مکه به مدینه در عقبه هرشی، میان جحفه و ابواء، بکشند. هفت تن از سوی راست عقبه و هفت تن نیز از سوی چپ به قصد ماندن شتر ایشان پیش آمدند. رسول خدا با گزارش جبرئیل از توطئه آنها آگاه شد و چون نام‌های ایشان را بر زبان جاری ساخت، فرار کردند و پنهان شدند. در پی کتمان آنان، آیه ۷۴ توبه/۹ نازل شد.<sup>۲</sup>

منابع اهل سنت در شمار و نام‌های منافقان سوء قصدکننده به جان پیامبر اختلاف دارند. شماره آنها هفت<sup>۳</sup>، ۱۲<sup>۴</sup>، ۱۴ و ۱۵ نفر<sup>۵</sup> دانسته شده است. حدیفة بن یمان که خود شاهد رویداد بوده، شمار ایشان را ۱۴ تن یاد کرده است.<sup>۶</sup> این منابع فهرستی از اسامی منافقان ارائه داده و در نام آنان اختلاف کرده‌اند. طبرانی نام ۱۲ تن را چنین یاد کرده است: ودیعة بن

ثابت، اوس بن قیظی، جُلاس بن سُوید، سعد بن زراره، قیس بن قَهْد، قیس بن عمرو، سلامة بن حمام، حارث بن یزید طائی، سوید، داعس، جد بن عبدالله، و مُعْتَب بن قُشیر.<sup>۷</sup> بیهقی و سیوطی نیز نام‌های ایشان را چنین آورده‌اند: عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان، ابوحاضر/ حاصر اعرابی، عامر، ابوعامر، جُلاس بن سوید، مجمع بن حارثه، ملیح تیمی، حُصین بن نمیر، طُعْمَة بن ابی رِق، عبدالله بن عُیَیْنه، و مُرَّة بن ربیع. گویا رئیس ایشان ابوعامر بوده است.<sup>۸</sup> ابن قتیبه نیز بدون ذکر سند، نام ۱۰ تن را آورده که در میان آنها نام عبدالله بن ابی به چشم می‌خورد.<sup>۹</sup> اما در منابع دیگر و گزارش مشهور، به غیبت او در غزوه تبوک تصریح شده است.<sup>۱۰</sup> نیز از ابوعامر راهب\* (فاسق)، پدر حنظله غسیل الملائکه، به عنوان یکی از اصحاب عقبه یاد شده؛ اما مشهور است که وی پس از نبرد احد به سال سوم ق. از مدینه گریخت و نزد پادشاه روم رفت.<sup>۱۱</sup> نیز گفته شده: وی رئیس مسجد ضرار بوده و در تبوک حضور نداشته است.<sup>۱۲</sup>

۷. المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۸. دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۵۹؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۴۳.

۹. المعارف، ص ۳۴۳.

۱۰. المغازی، ج ۳، ص ۹۹۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۶۲؛ سبل الهدی،

ج ۵، ص ۴۴۲.

۱۱. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۰.

۱۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۴۶؛ المعارف، ص ۳۴۳.

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۳. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۴۹.

۴. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۲۳؛ دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۶۱.

۵. مسند احمد، ج ۵، ص ۳۹۰-۳۹۱؛ دلائل النبوه، ج ۵، ص ۲۶۲.

۶. المحلی، ج ۱۱، ص ۲۲۱.

سبب شده نام برخی را از فهرست اصحاب عقبه حذف و نام اشخاص ناشناخته یا بی‌گناهی را به جای آنان ثبت کنند.<sup>۷</sup>

### ◀ منابع

الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید محمد باقر، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۶ق؛ بحار الانوار: مجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ پیامبر اسلام: محمد آیتی، به کوشش ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه، ۱۳۶۲ش؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش احمد حبیب العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش موسوی جزایری، لبنان، دار السرور، ۱۴۱۱ق؛ حیاة القلوب تاریخ پیامبران: مجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، به کوشش امامیان، قم، سرور، ۱۳۷۶ش؛ الخصال: الشیخ الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۳ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به

نتیجه آن که در این فهرست‌ها کسانی هستند که نفاق خود را در عرصه‌ها و مراحل دیگر غزوه تبوک نشان دادند و مردم از نفاق آنان بی‌خبر نبودند. از پاره‌ای گزارش‌های اهل سنت برمی‌آید که ابوموسی اشعری از اصحاب عقبه بوده است.<sup>۱</sup>

بیشتر منابع شیعی، شمار اصحاب عقبه را بیش از ۱۲ تن گزارش کرده‌اند. از امام باقر علیه السلام گزارش شده که شمار آن‌ها ۱۲ نفر، هشت تن از قریش و چهار تن از دیگر صحابه، بوده است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق بر پایه روایتی ۱۲ تن از اصحاب عقبه را از بنی‌امیه و پنج تن را از دیگران دانسته است.<sup>۳</sup> علامه مجلسی شمار ایشان را ۲۴ تن دانسته است.<sup>۴</sup> گفته‌اند: فردی از مهاجران در آن شب همدستانش را تشویق می‌کرد.<sup>۵</sup> برخی منابع نام‌های دیگری را یاد کرده و بیشتر این افراد را از صحابه سرشناس و نیز برخی از کسانی دانسته‌اند که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله عهده‌دار حکومت بوده‌اند.<sup>۶</sup> شاید این اختلاف نیز مانند بسیاری از اختلاف‌های دیگر، برخاسته از پیشامدهای سیاسی پس از رحلت رسول خدا باشد که

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۱۵.

۲. التبیان، ج ۵، ص ۲۶۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۹.

۳. الخصال، ج ۲، ص ۳۹۸.

۴. حیاة القلوب، ج ۴، ص ۱۲۵۰.

۵. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۰۱.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۴۹۹.

۷. تاریخ پیامبر اسلام، ص ۶۳۳-۶۳۴.

کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ **روض الجنان**: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ **سبیل الهدی**: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عبدالموجود و معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **السیرة النبویه**: نجاح الطائمی، بیروت، مؤسسة البلوغ، ۱۴۲۲ق؛ **شرح نهج البلاغه**: ابن ابی الحدید (م. ۶۰۶ق.)، قم، مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ش؛ **صحیح مسلم** با شرح سنوسی: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، به کوشش محمد سالم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **فرهنگ فارسی**: محمد معین (م. ۱۳۵۰ش.)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش؛ **الکشاف**: الزمخشری (م. ۵۲۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ **لغت نامه دهخدا**: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، تهران، ناصر خسرو، ۱۴۰۶ق؛ **المحلی بالآثار**: ابن حزم اندلسی (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، مکتبه دار التراث؛ **مراصد الاطلاع**: صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ **المعجم الاوسط**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، اردن، دار الفکر، ۱۴۲۰ق؛ **المعجم الكبير**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ **المغازی**: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ق؛ **مفردات**: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق؛ **مناقب آل ابی طالب**: ابن شهر آشوب

(م. ۵۸۸ق.)، به کوشش البقاعی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۲ق؛ **المنتظم**: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

سید محمود سامانی



### اصحاب فیل: سپاهی همراه فیل با عزم تخریب کعبه

این عنوان برای سپاهیان یمنی به کار رفته که به فرماندهی ابرهه\* با انگیزه های گوناگون به مکه یورش بردند و در صدد تخریب کعبه برآمدند<sup>۱</sup> و از آن جا که فیل همراه داشتند، به اصحاب فیل مشهور شدند.<sup>۲</sup> قرآن کریم در سوره ای مستقل به بیان کوتاه این رخداد و فرجام آن پرداخته است: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \* أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ \* وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارٍ مِّنْ سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾.

درباره زمان این هجوم اختلاف است، هر چند همه مردم مکه شاهد این رویداد بزرگ بوده اند.<sup>۳</sup> مشهور تاریخ نگاران، آن را هم زمان با سال تولد پیامبر گرامی ﷺ یعنی ۴۰ سال پیش

۱. تاریخ خلیفه، ص ۱۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲۱؛ روح المعانی، ج ۳۰، ص ۴۶۵.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۹۵.